



دستگیری صادق بوقی تکذیب شد

پلیس استان کیلان خبر دستگیری صادق بوقی را که تصاویر رقص و آوازخوانی اش در بازار رشت منتشر شده بود را تکذیب کرد. در اطلاعیه پلیس آمده: اخبار منتشرشده درباره دستگیری این مرد و پلمب برخی مغازه‌ها صحت ندارد و فقط به افرادی که رفتارهای خارج از عرف در فضای مجازی انجام داده بودند تذکر داده شد.



دستگیری ۲۶ شورور خزانه

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری ۲۶ نفر که اقدام به ایجاد نامنی و برهم‌زدن نظم عمومی در محله خزانه بخارایی کرده بودند، خبر داد. به گفته سرهنگ علی قاسم‌پور این ۲۶ آدم‌راه امسال در یک نزاع دسته‌جمعی در منطقه خزانه باعث ایجاد رعب و وحشت شده بودند که همگی دستگیر شدند.

آن سوی مرز

۱۲ کشته در جست‌وجوی طلا



ورود سبیل به معدن طلای «پاراپایا سن خوزه» در جنوب ونزولا باعث ریزش آن و مرگ دست‌کم ۱۲ جست‌وجوگر طلا شد.

به گزارش همشهری، به نقل از رویترز، دولت ونزولا روز یکشنبه اعلام کرد که بارش باران‌های شدید در منطقه باعث جاری شدن سیل و ورود آن به معدن طلای پاراپایا سن خوزه در نزدیکی مرز برزیل شد. به دنبال این حادثه بخش‌هایی از معدن فرو ریخت و راه‌های ورود اکسیژن به معدن مسدود شد و افرادی که داخل معدن در جست‌وجوی طلا بودند جان باختند.

بارش باران همچنین عملیات امداد و نجات را به تأخیر انداخت و با این حال ۵۳ جسد روز جمعه و ۷ جسد دیگر روز شنبه از داخل معدن بیرون کشیده شد که به گفته پزیشکی قانونی همه آنها بر اثر خفگی جان‌باخته‌اند.

تول‌های این معدن توسط معدنچیان غیررسمی و افراد عادی که در جست‌وجوی طلا هستند، به صورت ابتدایی ایجاد شده که به شدت خطرناک است.

این منطقه از سوی گروه‌ها و انجمن‌های محافظ معدنچیان به شدت خطرناک اعلام شده است و سال گذشته سازمان ملل از نقض حقوق بشر در این مناطق خبر داد.

استخراج غیرقانونی معادن یک روش رایج در این منطقه است. کارگران در معادن با شرایط سخت مواجه می‌شوند و فعالیت می‌کنند.

مشکلات اقتصادی در ونزولا باعث رواج فعالیت‌های غیرقانونی معدن‌کاری در مناطق دور دست و غنی این کشور شده است، به طوری که هزاران نفر در شرایط نامن تلاش می‌کنند تا فلزات گران بها از جمله طلا را از این معادن استخراج کنند. معادن حادثه‌خیز با نظارت اندک یا بدون نظارت مقامات اداره می‌شوند و برای جوامع بومی ونزولا استخراج طلا راه نجاتی از شرایط سخت اقتصادی است.

دادسرا

پلیس در جست‌وجوی گروگانگیران بی‌رحم

پلیس پایتخت در تعقیب آدم‌ربایانی است که پسری جوان را در تهران ربوده و به یکی از شهرهای غربی کشور انتقال دادند تا دست به اخذی از خانواده او بزنند.

به گزارش همشهری، مدتی قبل خانواده یک جوان افغان قدم به اداره پلیس تهران گذاشتند و از ناپدید شدن پسرشان خبر دادند. آنها گفتند که پسرشان به نام احمد برای انجام کاری از خانه خارج شده و دیگر برگشته است.

۲۰ روز بعد

پرونده‌های درباره ناپدید شدن جوان افغان تشکیل و به دستور باز پرس دادسرای جنایی تهران، تحقیقات برای یافتن او شروع شد تا اینکه ۲۰ روز بعد خانواده این پسر راهی دادسرا شدند و گفتند که پسرشان گرگان گرفته شده است.

پدر این پسر توضیح داد: ۲۰ روز تمام، به صورت شبانه روزی در جست‌وجوی پسرمان بودیم و نمی‌دانستیم چه بلایی بر سرش آمده است، چون سابقه نداشت او بدون خبر جایی برود تا اینکه بعد از گذشت ۲۰ روز موبایل من زنگ خورد و فرد ناشناسی آن طرف خط مدعی شد که پسر من احمد را گروگان گرفته است. او حتی فیلم شکنجه‌های پسر من را برایم فرستاد و گفت اگر مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان به او پرداخت نکنیم، جان احمد را می‌گیرد و جسدش را می‌سوزاند. گروگانگیر و همدستانش تهدید کردند اگر پای پلیس را به ماجرا باز کنیم، قطعاً پسر من می‌کشد و من هرگز او را نخواهم دید.

وی ادامه داد: من نیز به تکاپو افتادم و مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان تهیه کردم. آدم ربایان از من خواستند تا به صورت ارز دیجیتال، پول را به حسابشان واریز کنم. این کار را انجام دادم اما خبری از پسر من نشد و آنها و از آزاد کردند.

رد پای گروگان در شهر مرزی

وقتی مشخص شد، موضوع آدم‌ربایی است، تحقیقات گسترده‌ای برای یافتن آدم‌ربایان شروع شد تا اینکه چند وقت بعد مشخص شد آدم‌ربایان، گرگان خود را به یکی از شهرهای مرزی کشور انتقال داده‌اند. پدر گرگان بار دیگر راهی دادسرای جنایی تهران شد و این بار اطلاعات تازه‌ای به باز پرس اعلام کرد. وی گفت: چند روز قبل یکی از دوستان پسر من برای پیدا کردن او راهی یکی از شهرهای غربی کشور شده بود، او را دیده بود. آنطور که دوست من می‌گفت در اطراف کوهستان، آدم‌ربایان، پسر من را در حالی که دست و پایش بسته بوده روی زمین می‌کشیدند. دوست من هم با دیدن این صحنه قصد داشته پسر من را از دست آدم‌ربایان نجات بدهم اما آنها با چاقو چندین ضربه به دوست من زد و فرار کرده‌اند. وی سپس از شدت خونریزی از حال رفته تا اینکه رهنگ‌تری به دادش رسیده و او را از مرگ نجات داده است.

با این اظهارات جدید، تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه آدم‌ربایان خشن و نجات گرگان آغاز شده است.

دروغ هولناک زن جوان برای سرقت میلیاردری

گزارش **الهه فراهانی** روزنامه‌نگار

زن جوان، برای سرقت از خانه مرد پولدار سناریوی وحشتناکی طراحی کرد. او با دروغی هولناک، شوهرش را فریب داد تا نقشه قتل مرد ثروتمند و سرقت از خانه او را عملی کنند اما طعمه آنها زنده ماند و دستشان را رو کرد.

به گزارش همشهری، اوایل آبان ماه امسال اعضای خانواده تاجر تهرانی وقتی از سفر به خانه برگشتند با صحنه هولناکی مواجه شدند. مرد تاجر خون‌آلود روی زمین افتاده و از هوش رفته بود. خانه نیز کاملاً بهم ریخته و همه محتویات داخل گاوصندوق به ارزش بیش از ۴ میلیارد تومان سرقت شده بود.

طولی نکشید که ماجرا به اورژانس و پلیس گزارش شد و پیکر نیمه‌جان مرد تاجر که هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود به بیمارستان انتقال یافت. با حضور کارآگاهان پلیس در محل حادثه، تحقیقات آغاز و معلوم شد که صاحبخانه قربانی نقشه سرقت شده است. بررسی‌ها حاکی از آن بود که سرقت از سوی آشنا صورت گرفته است، چرا که قفل‌های در سالم بود و وسایل پذیرایی نشان می‌داد که مرد تاجر شب قبل مهمان داشته است. طرف‌های کیفی که روی میز دیده می‌شد نشان می‌داد که مهمانان مرد تاجر، آن‌قدر بوده‌اند. ظاهر مهمانان پس از آنکه مرد تاجر را هدف ضربات چاقو قرار داده بودند، محتویات گاوصندوق را به سرقت برده و گریخته بودند. کارآگاهان در ادامه به بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته اطراف ساختمان پرداختند که مشخص شد سارقان خشن، زن و مردی جوان هستند اما آنها چهره خود را با ماسک و پارچه پوشانده بودند.

۲ هفته بعد

تحقیقات زیر نظر باز پرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت ادامه داشت و مرد تاجر نیز تحت فشار قرار گرفتند.

دروغ هولناک زن جوان برای سرقت میلیاردری

دروغ بود تا اینکه بعد از گذشت ۲ هفته، به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافت و به هوش آمد. او پس از بهبودی اسرار سرقت خونین از خانه‌اش را فاش کرد و گفت: من به واسطه کارم با مردی به نام حمید آشنا شدم. حمید متاهل بود که بعد از مدتی رفت و آمدهای او و همسرش به خانه‌ام شروع شد. رابطه ما به تدریج صمیمی شد اما خبر نداشتم آنها نقشه هولناکی برای من طراحی کرده‌اند.

وی ادامه داد: روز حادثه همسر و فرزندانم به همراه خانواده همسر من سفر رفته و در خانه حضور نداشتم. یک شب قبل از برگشت آنها، حمید به من زنگ زد و گفت می‌خواهد به همراه همسرش تاجر خون‌آلود روی زمین افتاده و از هوش رفته بود. خانه نیز کاملاً بهم ریخته و همه محتویات داخل گاوصندوق به ارزش بیش از ۴ میلیارد تومان سرقت شده بود.

طولی نکشید که ماجرا به اورژانس و پلیس گزارش شد و پیکر نیمه‌جان مرد تاجر که هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود به بیمارستان انتقال یافت. با حضور کارآگاهان پلیس در محل حادثه، تحقیقات آغاز و معلوم شد که صاحبخانه قربانی نقشه سرقت شده است. بررسی‌ها حاکی از آن بود که سرقت از سوی آشنا صورت گرفته است، چرا که قفل‌های در سالم بود و وسایل پذیرایی نشان می‌داد که مرد تاجر شب قبل مهمان داشته است. طرف‌های کیفی که روی میز دیده می‌شد نشان می‌داد که مهمانان مرد تاجر، آن‌قدر بوده‌اند. ظاهر مهمانان پس از آنکه مرد تاجر را هدف ضربات چاقو قرار داده بودند، محتویات گاوصندوق را به سرقت برده و گریخته بودند. کارآگاهان در ادامه به بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته اطراف ساختمان پرداختند که مشخص شد سارقان خشن، زن و مردی جوان هستند اما آنها چهره خود را با ماسک و پارچه پوشانده بودند.

۲ هفته بعد

تحقیقات زیر نظر باز پرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت ادامه داشت و مرد تاجر نیز تحت فشار قرار گرفتند.

گفت و گو

زن جوان سناریوی دروغین طراحی کرده تا همسرش را به خانه مرد تاجر بکشاند. او درباره نقشه هولناکش می‌گوید.

چطور همسرت را برای اجرای نقشه سرقت با خودت همراه کردی؟

چون دروغین طراحی کردم. به همسرم گفتم، مرد تاجر در من نظر دارد. گفتم یک‌بار که به خانه آنها رفته بودیم قصد آزار و اذیت مرا داشته است. همسرم وقتی این را شنید خون جلوی چشمش را گرفت. می‌خواست شبانه به خانه او برود و جانش را بگیرد اما من مانع شدم. به او گفتم یک شش‌ب با هم به آنجا می‌رویم و هر دو می‌مانیم با همدستی یکدیگر از انتقام می‌گیریم. اما در واقع هدف من اجرای نقشه سرقت بود.

چرا چنین نقشه‌ای کشیدی؟

چون دروغین بودم و به همسرم گفتم، مرد تاجر در من نظر دارد. گفتم یک‌بار که به خانه آنها رفته بودیم قصد آزار و اذیت مرا داشته است. همسرم وقتی این را شنید خون جلوی چشمش را گرفت. می‌خواست شبانه به خانه او برود و جانش را بگیرد اما من مانع شدم. به او گفتم یک شش‌ب با هم به آنجا می‌رویم و هر دو می‌مانیم با همدستی یکدیگر از انتقام می‌گیریم. اما در واقع هدف من اجرای نقشه سرقت بود.

بعد چه شد؟

از آنجا فرار کردم و اموال مسروقه را نیز رفته‌رفته رخرتم. شوهرم اما از ماجرای سرقت خبری نداشت. ما فکر می‌کردیم مرد تاجر به کام مرگ خواهد رفت اما خب زنده ماند و ما را او داد.

۴۱ سال حبس به خاطر دیه

جنایی

مردی که از ۱۴ سال قبل به اتهام قتل شوهر خواهرش در زندان بود و در این مدت نتوانسته بود دیه مقتول را پرداخت کند، با کمک خیران دیه را پرداخت کرد تا در ۵۰ سالگی از زندان آزاد شود.

به گزارش همشهری، شروع این پرونده عجیب به سال ۸۸ برمی‌گردد. در یکی از شب‌های تابستان مردی همراه با برادر همسرش از خانه خود در بخش رودخانه در استان هرمزگان خارج شد و دیگر به خانه برگشت. برادر زن او می‌گفت آنها چند ساعت با یکدیگر بودند و بعد از آنکه از هم جدا شدند، او به خانه‌اش آمده و خبری از جوان گمشده ندارد. هیچ‌کس این مرد را ندیده و معلوم نبود بعد از جدا شدن از برادر همسرش کجا رفته و به چه سرنوشتی دچار شده است. در حالی که حدود یک‌ماه از ناپدید شدن مرد جوان می‌گذشت تیم‌های جست‌وجو موفق شدند پیکر بی‌جان او را در حالی که بر اثر گذشتن زمان متلاشی شده بود در بیابان کشف کنند. او به قتل رسیده بود اما معلوم نبود قاتل کیست.

دستگیری تنها مظنون

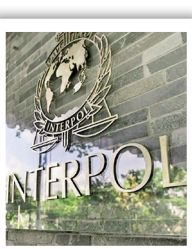
کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات به سرخ‌هایی دست پیدا کردند که نشان می‌داد ممکن است برادر همسر مقتول در جنایت دست داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌داد این مرد مدتی قبل به خواستگاری خواهر مقتول رفته اما مقتول با این وصلت مخالفت کرده بود. همین موضوع باعث ایجاد اختلاف بین این دو نفر شده بود. تا جایی که آنها چند مرتبه با یکدیگر درگیر شده و کار به زد

عملیات ویژه برای مهار آتش‌سوزی مینی‌بالايشگاه

آتش‌سوزی گسترده در مینی‌بالايشگاه منطقه ویژه اقتصادی بیرجند که از یکشنبه آغاز شده همچنان ادامه دارد. تیم‌های عملیاتی با مدیریت حادثه در پی مهار کامل شعله‌های آتش هستند. به گزارش همشهری، آتش‌سوزی در یکی از مخازن ۲۵۰ تنی مینی‌بالايشگاه منطقه ویژه اقتصادی بیرجند ساعت ۸:۲۵ یکشنبه ۱۹ آذرماه اتفاق افتاد و بلافاصله تیم‌های ویژه‌ای عملیات اطفای حریق را آغاز کردند. مهار شعله‌های آتش در ساعت‌های اولیه پیشرفت زیادی داشت اما از حدود ۱۰:۴۰ آتش‌سوزی به مخازن دیگر سرایت کرد. این مینی‌بالايشگاه ۲۲ مخزن داشت و از این تعداد ۱۸ مخزن دارای میعانات گازی بود که در جریان این حادثه ۱۵ مخزن منفجر شد؛ با این حال عملیات اطفای حریق همچنان ادامه دارد. هر چند این حادثه خسارت سنگینی به جا گذاشته است، اما تاکنون خسارت جانی نداشته و فقط یک نفر مصدوم شده که به صورت سرپایی توسط



نجات دختر ربوده شده در ایران



دختر ۱۲ ساله‌ای که ۲ سال پیش از یکی از کشورهای شمال غرب ربوده و به تهران منتقل شده بود با همکاری پلیس آگاهی پایتخت شناسایی و به کشورش بازگردانده شد. به گزارش همشهری،

مدتی قبل و با مراجعه والدین دختری نوجوان به پلیس یکی از کشورهای همسایه و اعلام آنها مبنی بر اینکه دخترشان که ۱۲ سال پیش ربوده شده بود، حالا در ایران به سر می‌برد، پلیس بین‌الملل وارد ماجرا شد و مشخصات و اطلاعات مربوط به دختر نوجوان از طریق اعلان زرد در اختیار پلیس بین‌الملل ایران قرار گرفت. از همان زمان تحقیقات برای یافتن ردی از دختر ربوده شده آغاز و مشخص شد که وی در تهران زندگی می‌کند. به این ترتیب تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند و در بررسی‌های تخصصی دریافتند که این دختر که حالا ۱۴ ساله است به عنوان سرایدار در خانه‌ای در شمال پایتخت مشغول به کار است.

سردار مجید کریمی، رئیس پلیس بین‌الملل فراچا با بیان این خبر گفت: با همکاری پلیس بین‌الملل فراچا و پلیس آگاهی تهران محل زندگی دختر نوجوان شناسایی و معلوم شد که ۱۲ سال پیش، فردی این دختر را که در آن زمان ۱۲ سال بیشتر نداشت فریب داده و با دادن وعده و وعید، وی را همراه خود به ایران آورده است. وی ادامه داد: آدم‌ربا این دختر را از طریق مرزهای شمال غرب کشور و از مسیر بیابانه و کوهستانی به کشور منتقل کرده بود که با این اطلاعات، دختر نوجوان شناسایی و پس از هماهنگی‌های قضایی، پلیسی از طریق فرودگاه امام خمینی (ره) به کشورش منتقل شد.

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

شرکت مدیریت فناوری بورس تهران در نظر دارد نسبت

به ارزیابی کیفی تأمین کنندگان تجهیزات خنک‌کننده

ریتل مخصوص مراکز داده اقدام نماید.

شرکت‌های علاقه‌مند جهت اطلاع از شیوه‌ارسال مدارک

می‌توانند حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ با دبیرخانه شرکت

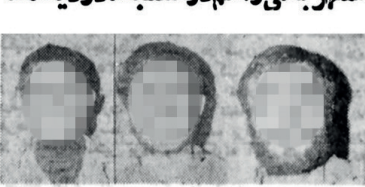
شماره تلفن ۰۲۱-۸۴۳۰۱۳۰۱ تماس حاصل فرمایند.

داخلی

دزدان کفش نمازگزاران در دام پلیس

این عده ، کفشهای رئیس

شهربانی راهم در مسجد، دزدیدند!



۴۱ سال پیش در چنین روزی ۳ دزد که برای سرقت، کفش نمازگزاران مساجده ایده را هدف قرار داده بودند، توسط پلیس دستگیر شدند. آنها در عین ناباوری کفش رئیس شهربانی ایده را نیز دزدیده بودند.

روزنامه کیهان در ۲۱ آذر ۶۱ در این باره نوشت: بیشتر از یک سال بود که دزدی‌های عجیبی در شهر ایده به وقوع می‌پیوست. همه مردم شهر نیز از این دزدی‌ها اطلاع پیدا کرده بودند، اما دزدان همچنان به کار خود ادامه می‌دادند. این دزدی‌ها به صورت مکرر از خانه‌ها و مغازه‌های مردم صورت می‌گرفت. دزدان همچنین به سرقت کفش مومنین نمازگزار در مساجد ایده دست می‌زدند. این جریان ۱۸ ماه پیش طول کشید تا اینکه در جریان یکی از سرقت‌ها کفش رئیس شهربانی ایده در مسجد دزدیده شد. این اتفاق باعث شد که کارآگاهان آگاهی شهربانی ایده دست به تحقیقات گسترده‌ای برای پیدا کردن دزدان بزنند. با به دست آمدن مدارک و شواهد بالاخره دزدان کفش نمازگزاران دستگیر شدند.

این سه نفر که لطفعلی، علی و رضان نام دارند، اعتراف کردند که برنامه دزدی آنها، از ۱/۵ سال پیش آغاز شده است. در این مدت، کفش عده زیادی از نمازگزاران را دزدیده و در جاهای دیگر فروخته‌اند که یک جفت از آنها متعلق به رئیس شهربانی ایده بوده است.

آنها همچنین اعتراف کردند که چندین مرغ و خروس، بوقلمون، گوساله و گوسفند از خانه‌های مردم و لباس، پارچه، جوراب، دستمال و لباس گرم از چندین مغازه سرقت کرده‌اند.

بعد از دستگیری سارقین توسط مأموران آگاهی شهربانی ایده، متهمان همراه با پرونده، تحویل زندان «کارون» اهواز شدند.